

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

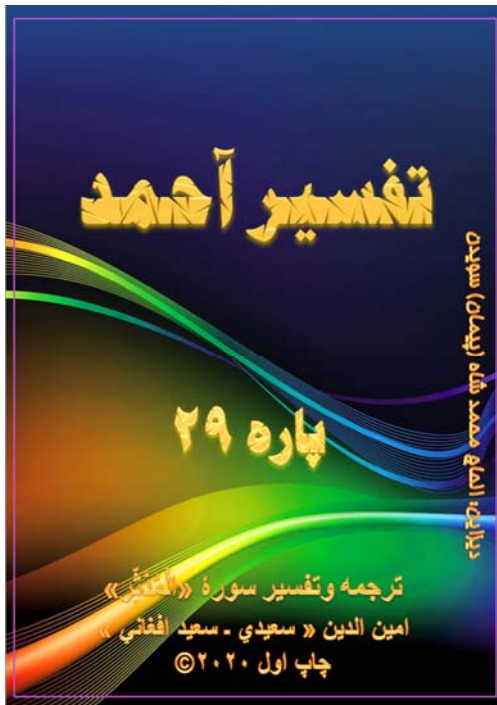
Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین سعیدی "سعید افغانی"
۲۶ مارچ ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم
ترجمه و تفسیر سوره
الْمُدَّثِّرِ - ۴

سوره الْمُدَّثِّرُ در مکه مکرمه نازل شده و دارای پنجاه و شش آیت و دو رکوع می باشد.



سَأُضْلِيهِ سَقَرَ (۲۶)

(به سزای این سخن) به زودی او را وارد دوزخ می‌کنیم. (۲۶)
«سَقَرَ» از نام‌های دوزخ و در اصل به معنای نوب شدن در برابر حرارت آفتاب است.

(مراجعه شود به سوره قمر) (مفردات راغب)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ (۲۷)

و تو چه می‌دانی که سقر چیست؟ (۲۷)
از آیت فوق به یک حقیقت واضح پی می‌بریم که دوزخ به جز از راه وحی قابل درک و شناخت برای انسان نیست، اگر ما خواستار واقعیت و حقیقت جنت باشیم باید در مورد شناخت آن به وحی آسمانی مراجعه نماییم.

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (۲۸)

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه چیزی را رها می‌سازد! (۲۸)

آتش دوزخ هم فراگیر است و هم خاموش ناشدنی.

لَوَاحِةٌ لِلْبَشَرِ (۲۹)

پوست بدن انسان را به کلی دگرگون می‌کند. (۲۹)
«لَوَاحِةٌ» «دگرگون می‌سازد، می‌سوزاند».

از آیت مبارکه: «لَوَاحِةً لِلْبَيْتِ» جزای شخصی که وحی الهی را دگرگون جلوه دهد و آن را در سیمای سحر به مردم معرفی کند، دگرگون شدن پوست بدنش با آتش دوزخ است.

قدرت آتش دوزخ بر اهل دوزخ:

قدرت و قوت آتش دوزخ به حدی است که هر چیزی را به کام خود می‌کشد. پوست بدن را می‌سوزاند و به استخوان می‌رسد و آنچه که در شکم است، همه را بیرون می‌افکند و به قلب می‌رسد. هرکس که به دام آتش دوزخ بیفتد، نجات پیدا نخواهد کرد. آن آتش نه می‌میراند و نه رها می‌سازد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره آتش دوزخ می‌فرماید: «نَارُنَا جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ. فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ كَانَتْ لَكَافِيَةً. قَالَ: إِنَّهَا فَضَّلْتُ عَلَيْهَا بِتِسْعَةِ وَسِتِّينَ جُزْءًا» «حرارت آتش دنیا هفتاد برابر کمتر از حرارت آتش دوزخ می‌باشد. اصحاب گفتند: ای پیامبر! اگر به اندازه همین آتش دنیا هم گرم باشد، باز برای عذاب گناهکاران کافی است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: حرارت آتش دوزخ به هفتاد قسمت تقسیم شده است که شصت و نه قسمت آن برای آتش دوزخ باقی است و هر قسمت از آن‌ها به اندازه آتش دنیا گرم می‌باشد.» (صحیح بخاری، کتاب بدء الخلق، باب صفة النار الباری (۳۳۰/۶). صحیح مسلم، کتاب الجنة، باب شدة حر النار: (۲۱۸۴/۴).

حرارت آتش تقلیل نمی‌یابد:

قرآن عظیم الشان در (آیت ۳۰، سوره النبا) می‌فرماید: «فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا» «پس بچشید! ما هرگز چیزی جز عذاب و رنج برایتان نمی‌افزایم». با گذشت زمان، حرارت این آتش کم نخواهد شد، طوری که الله متعال می‌فرماید: «كُلَّمَا حَبَّتْ زِدْنُهُمْ سَعِيرًا» (سوره الإسراء: ۹۷). «هر زمان که زبانه آتش فروکش کند، بر زبانه آتش‌شان می‌افزایم». بنابر این تحلیل، کفار هرگز راحتی و آرامشی ندارند و عذاب آن‌ها با گذشت زمان کم نمی‌شود. «فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (سوره البقرة: ۸۶). «عذابشان کم نمی‌شود و کسی به آنان یاری نمی‌رساند». و دوزخ زمانی که دوزخیان را می‌بیند، آتشش برافروخته می‌شود. «وَإِذَا أَلْحَمِمْ سَعْرَتَ، وَإِذَا أَلَجْنَتْهُ أُلْفَتُ» (سوره التکویر: ۱۲-۱۳). «و در آن هنگام که دوزخ برافروخته شود و در آن هنگام که بهشت نزدیک گردد».

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

بر آن (دوزخ) نوزده فرشته [موکل] گمارده اند (۳۰)

«تِسْعَةَ عَشَرَ» «نوزده (فرشته)».

توجه باید کرد: زمانی که يك فرشته می‌تواند جان همه مردم را بگیرد و وقتی دو فرشته می‌توانند شهر لوط را زیر و رو و همه اهل آن را هلاک کنند، نوزده فرشته می‌توانند مسؤول عذاب همه مجرمان باشند.

شان نزول آیت ۳۰:

۱۱۵۱- ک: ابن ابوحاتم و بیهقی در «البعث» از براء روایت کرده اند: گروهی از یهودیان از یک نفر صحابی پرسیدند که تعداد خازنان دوزخ چند نفراند صحابی آمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم را از این موضوع خبر کرد. در آن ساعت آیت «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» نازل شد. (تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی).

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنِ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱)

و ما خازنان دوزخ را غير فرشتگان (عذاب) قرار نداديم و شمار آنها را نيز جز وسيله آزمون كافرين قرار نداديم، تا اهل كتاب يقين كنند (كه قرآن كتاب آسمانى است) و تا ايمان مؤمنان بيشتر شود و تا اهل كتاب و مؤمنان شك نکنند و تا بيماردلان (منافقان) و كافرين بگویند: الله از اين مثل چه خواسته است؟ الله اين چنين هر كه را بخواهد [پس از بيان حقيقت] گمراه مى كند و هر كه را بخواهد هدايت مى نمايد، و سپاهيان پروردگارت را جز خود او كسى نمى داند، و اين قرآن فقط مايه تذکر و پند برای بشر است. (۳۱)

شان نزول آیه ۳۱:

۱۱۵۲- ک: از ابن اسحاق روايت کرده است: روزی ابو جهل گفت: ای گروه قریش! محمد می‌گوید: لشکر خدا که شما را در جهنم عذاب می‌دهند و شکنجه می‌کنند نوزده نفراند. تعداد شما از آنان بیشتر است آیا صد نفر شما را یکی از آنها مغلوب می‌کند، پس خدا آیت «وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً...» را نازل فرمود.
۱۱۵۳- و از قتاده نیز به همین معنی روايت کرده است. (طبری ۳۵۴۴۱ این مرسل است و باز هم ۳۵۴۴۲ به همین معنی به قسم مرسل روايت کرده است.)

۱۱۵۴- ک: و از سدی روايت کرده است: هنگامی که «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» نازل شد.

مردی از قریش به نام ابو اشد گفت: ای گروه قریش، از نوزده نفر خازن دوزخ نترسید، من خودم تنها ده نفر آنها را با شانه راستم و نه نفر آنها را با شانه چپم از شما دفع می‌کنم. پس آیت «وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً...» نازل شد. (تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی).
خواننده محترم!

طوری که در آیات (۲۶ الی آیت ۳۰) دریافتم که الله تعالی نگهبانان دوزخ را نوزده نفر بیان نموده است، که در بیان این عدد برای کافران، آزمایش و عذاب گردید؛ آنها گمان می‌کردند که بر این تعداد کم چیره می‌شوند و نمی‌دانستند که یکی از آن فرشتگان می‌تواند با تمام فرزندان آدم مقابله کند. روی همین اصل، الله متعال در پی آن فرمود:
«وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا» (سوره المدثر: ۳۱). «و نگهبانان دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم و تعداد شان را تنها از این جهت بیان کردیم که مايه گمراهی كافرين باشد». این رجب می‌فرماید: دیدگاه مشهور در میان دانشمندان گذشته و امروز، این است که آزمایش بدین جهت بود که تعداد فرشتگان تصریح شد و کفار به‌خاطر اندک بودن آنها، گمان می‌بردند که مبارزه با آنان و مغلوب کردنشان، آسان است و به این واقعیت پی نبردند که یکی از آن فرشتگان، توان مبارزه با تمام انسان‌ها را دارد. (تخويف من النار ص (۱۴۷) این فرشتگان همان کسانی هستند که الله متعال آنان را «نگهبانان دوزخ» نامیده است. الله متعال می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزْنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ» (سوره غافر: ۴۹). «دوزخیان به نگهبانان دوزخ می‌گویند: شما از پروردگارتان درخواست کنید که روزی عذاب را از ما بردارد».

كَلَّا وَالْقَمَرِ (۳۲)

نه چنين نيست (که کفار تصور می‌کنند که این حقایق افسانه است)، قسم به ماه. (۳۲)
«وَالْقَمَرِ»: قسم خداوند به آفریده‌های خود از جمله ماه، به خاطر جلب توجه بدانها از نظر خلقت است.

و در این هیچ جای شکی نیست که آفریده‌های خداوند متعال در طبیعت از چنان اهمیتی برخوردارند که قابل قسم اند.

وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ (۳۳)

قسم به شب هنگامی که پشت کند. (۳۳)

به صورت کل در قرآن عظیم الشان هفت بار به شب قسم به عمل آمده است که عبارتند از:

۱- «وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ» (قسم به شب چون بگذرد).

۲- «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ» (تکویر ۱۷) (سوگند به شب چون برود)

۳- «وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ» (انشقاق ۱۷) (قسم به شب و آن چه را جمع آوری می‌کند)

۴- «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ» (فجر آیت ۴) (قسم به شب هنگامی که حرکت می‌کند)

۵- «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» (شمس آیت ۴) (قسم به شب چون فرو پوشد)

۶- «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» (لیل آیت ۱) (قسم به شب چون فرو پوشاند)

۷- «وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى» (سوره ضحی آیت ۲) (قسم به شب چون آرام گیرد).

باید یادآور شد که در قرآن عظیم الشان قریب به چهل مورد به غیر از الله به تعداد مخلوقات قسم یاد گردیده است که از جمله: در سوره شمس به یازده چیز قسم خورده شده که هشت تای آن غیر الله است که شامل؛ «أفتاب»، «نور آفتاب»، «ماه»، «روز»، «شب»، «آسمان»، «زمین» و «نفس انسان» می‌باشد.

همچنان در سوره النازعات به سه چیز و در سوره والمرسلات به دو چیز قسم می‌خورد. همچنین سوگند به غیر الله در سوره های الطارق، قلم، عصر، البلد، هم وارد شده است.

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (۳۴)

قسم به صبح زمانی که روشن شود. (۳۴)

«أَسْفَرَ» «روشن شود».

إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ (۳۵)

که دوزخ یکی از نشانه‌های بزرگ (قدرت الله) است. (۳۵)

حسن بصری می‌گوید: «به خدا سوگند که حق تعالی خلاق را به بلایی بزرگتر از دوزخ بیم نداده است». به قولی «آن‌ها» یعنی: تکذیب آنان محمد صلی الله علیه وسلم را یکی از بلاهای بسیار بزرگ است. یا معنی این است: فرستادن بیم دهنده به سوی بشر، یکی از بزرگترین رویدادها در هستی است.

تَذِيرًا لِلْبَشَرِ (۳۶)

هشدار دهنده بشر است (۳۶)

باید یاد آور شد که هشدار پیامبر صلی الله علیه وسلم برای همه بشریت است و این هشدار دادن امر ضروری و لازمی هم می‌باشد.

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷)

(ترساننده است) برای هر یک از شما که بخواهد (در مقام ایمان و طاعت و سعادت) پیش رود، یا پس ماند (به سبب کفر، طغیان و گناه). (۳۷)

از فحوی آیت مبارکه معلوم می‌شود که انسان دارای اختیار و اراده است. «هر که از شما را که بخواهد پیشی جوید» به سوی حق و خیر یا به سوی بهشت «یا باز ایستد» به سبب کفر از راه حق و خیر و از جاده بهشت.

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (۳۸)

هر نفس (هر شخص) درگرو اعمال خویش است. (۳۸)

«رَهِيئَةٌ» «گروگان، درگرو».

طوری که گفتیم «رَهِيئَةٌ» به معنای مرهونه و هدف از آن محبوس و مقید بودن است، مانند آن کسی که در برابر وامی، چیزی را به طور رهن و گروگان بگذارد، پس آن چیزی در دست قرض دهنده محبوس می ماند، و مالک نمی تواند از آن استفاده کند، همچنین در روز قیامت هر کسی در عوض گناهان خویش محبوس و مقید می باشد، غیر از اصحاب الیمین که از این حبس و قید، مستثنی می باشند. (تفسیر معارف القرآن علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی، سوره المدثر). رفتار انسان، سازنده شخصیت اوست و یکی از خصوصیات قرآن عظیم الشان اینست که انسان را مسوول اعمال خود می داند و در آیات زیادی مسوولیت اعمال خوب و بد را به خود انسان نسبت می دهد. این امر نشان می دهد قرآن عظیم الشان برای انسان قائل به اختیار است و لازم است آیاتی را که جبر از آن ها استفاده می شود با مجموعه چنین آیاتی فهمید.

با توجه به آیت یاد شده هر نفسی در گروی کسب خود است، چنانچه انسان در آخرت مجازات شود یا اگر پیوست عملی به بدی یا خوبی کشیده می شود، عامل آن خوبی یا بدی خود انسان است و نمی تواند بگوید چون خداوند قدرت مطلق دارد، اعمال ما و آثار اعمال ما منسوب به خداوند متعال است.

انسان دارای اختیار است؛ می تواند هر عملی را چه خوب و چه بد انجام دهد اما بداند که آثار عمل از مجازات یا پاداش به واسطه اعمال خود است.

قرآن عظیم الشان برای آنده از اشخاصی که در سرایشی گناه افتاده اند موقعیت خطرناکی ترسیم می کند و می فرماید مشکل است چنین اشخاصی به زودی هدایت شوند مگر این که به لطف الهی و درخواست جدی از مسیر گناه بازگردند. اشخاص گناهکار باید با توبه قاطع به اصلاح اعمال خود بپردازد تا امید نجات آن ها حاصل شود.

إِلَّا أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۹)

مگر اصحاب دست راست (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوی به دست راستشان می دهند). (۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰)

که آنها در باغهای بهشتند و سؤال می کنند. (۴۰)

و سوالات متعدد و پی در پی که از مجرمان در قیامت، به عمل می آید، از جمله نوعی از عذاب روحی برای آنان به حساب می رود.

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱)

از مجرمان (۴۱)

«از مجرمان» یعنی: مؤمنان از یک دیگر راجع به احوال گناهکاران می پرسند، یا از خود گناهکاران می پرسند در حالی که خطاب به آنان می گویند: «چه چیز شما را در دوزخ در آورد؟ می گویند: از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را هم طعام نمی دادیم و با هرزه درایان هرزه رانی می کردیم» یعنی: با اهل باطل در باطلشان در می آمیختیم و هرگاه گمراهی به گمراهی کشیده می شد، ما هم با او گمراه می شدیم. ابن زید در معنای آن می گوید: «در کار محمد صلی الله علیه وسلم با فروروندگان و هرزه درایان فرومی رفتیم و می گفتیم: محمد دروغ گوست، دیوانه است، جادوگر است، شاعر است...».

ادامه دارد